

عنوان مقاله:

حقوق بین الملل مسئولیت حمایت؛ چهارچوبی تحلیلی برای فهم تحول حق تعیین سرنوشت در چارچوب دکترین مسئولیت حمایت از امنیت انسانی در نظام حقوق الملل

محل انتشار:

سومین همایش بین المللی فقه و حقوق، وکالت و علوم اجتماعی (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 29

نویسنده:

واحد امینی - دانش آموخته دکتری از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران علوم و تحقیقات تهران

خلاصه مقاله:

تحول حق تعیین سرنوشت به عنوان یکی از اصول اساسی حقوق بین الملل مسیری است که هنوز به انتها نرسیده است. این حق بنیادین از زمان ابداع تاکنون همواره در معرض تحول قرار داشته است. یکی از تحولات جدید این حق را می توان در قالب دکترین مسئولیت حمایت بین المللی مورد مذاقه و تحلیل و بررسی قرار داد. دکترین مسئولیت حمایت گام مهمی در جهت تقویت حقوق بین الملل بشر دوستانه و جلوگیری از نقض حق تعیین سرنوشت در حقوق بین الملل می باشد. نمود عینی و جدید این دکترین در لیبی در 2011 اتفاق افتاد که با ایجاد منطقه پرواز ممنوع توسط ناتو جهت حمایت از امنیت انسانی و به ویژه جلوگیری از نقض های فاحش حقوق بشر و نقض حق تعیین سرنوشت در لیبی و با مجوز شورای امنیت سازمان ملل پراگماتیزه گردید. از دید ناظران بین المللی چنین رویکرد حقوق بین المللی بشر دوستانه با هدف مسئولیت بین المللی در برابر حمایت از امنیت انسانی و با حمایت جامعه بین المللی برای سوریه و یمن نیز در 2019-2020، قابل پیش بینی و یا احتمالاً در شرف شکل گیری است. دکترین مسئولیت حمایت امروز در حال تبدیل به یک قاعده حقوقی است. بیانات دولت ها و قطعنامه های صریح شورای امنیت بیانگر عزم دولت ها برای مشروعیت بخشیدن به این دکترین حقوقی است. با این ملاحظات بازنگری و به روز رسانی قواعد مندرج در سند موسس مسئولیت حمایت (سند کانادایی) به خصوص در زمینه مشروعیت بخشیدن به حق تعیین سرنوشت خارجی یک تحول و یک ضرورت حقوقی است. نیاز هر چه بیشتر به این تجدید نظر زمانی محسوس تر می نماید که اذعان شود، تجربه تاریخی نشان داده است که صرف مداخله بشردوستانه-خصوصاً آن جایی که مساله ریشه حاد قومی و نژادی دارد-منجر به پایان دادن به نقض منظم و سیستماتیک نمی شود. دولت ها در لوایح تقدیمی به دیوان در قضیه کوزوو با شناسایی مفهوم حق جدایی چاره ساز، عملاً بر مقرره ممنوعیت حق تعیین سرنوشت در سند مسئولیت حمایت خط بطلان کشیده اند. بنابراین مداخله بشردوستانه تحت نام مسئولیت حمایت نمی تواند موجبات انکار حق جدایی طلبی گروه اقلیتی را فراهم نماید که در معرض تکرار نقض سیستماتیک و بنیادین حقوق بشری می باشد. در لوایح تقدیمی بسیاری از دولت ها به دیوان در قضیه مشورتی کوزوو، مفهوم مخالف شرط محافظ اعلامیه روابط دوستانه (1970)، رای دیوان عالی کانادا در قضیه کبک، رای دیوان در قضیه نیکاراگوئه و بسیاری مستندات دیگر، مستمسک وجود حق جدایی چاره ساز قرار گرفته است. اما از نقطه نظر حقوقی برای ما هیچ منبعی مستحکم تر از خود این لوایح که باید اعلامیه های یک جانبه از جانب این دولت ها تلقی شود، نمی باشد. در کنار این لوایح که بیانگر عزم اکثریت دولت ها بر شناسایی حق جدایی چاره ساز است، خود رای نیز از این جهت حائز اهمیت است که دیوان برای نخستین بار اعلام نمود اصل تمامیت ارضی در روابط میان دولت هاست و صدور اعلامیه جدایی یک جانبه یک گروه اقلیتی مغایر با حقوق بین الملل نمی باشد. در زمینه الغای استعمار نیز می توان گفت که در سیر توسعه و تحول حق تعیین سرنوشت در این زمینه بعد از مشروعیت یافتن حق استقلال برای سرزم ...

کلمات کلیدی:

حق تعیین سرنوشت، نظام حقوق بین الملل، جدایی یکجانبه، جدایی چاره ساز، اعلامیه یکجانبه استقلال، الحاق، رای مشورتی دیوان بین المللی دادگستری، مسئولیت حمایت، امنیت انسانی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/912700>



